

چکیده

عرفان شالوده‌ای است که مسیر درست حرکت انسان تا رسیدن به مقصود اصلی را به او نشان می‌دهد. بسیاری از یافته‌های عرفانی مستقیماً قابل بازگفتن نیستند ولی شاعران و نویسندگان کوشیدند تا کشف و شهود خود را در قالب اشاراتی بازگویند. از این رو، عرفان اسلامی بخش اعظمی از ادبیات فارسی را تشکیل داده است. بسیاری از عرفای ادب فارسی از اصطلاحات مختلفی برای بیان اندیشه‌های عرفانی خود در آثارشان بهره برده‌اند. این اصطلاحات اغلب نشان‌دهنده‌ی حالت یا مقامی در عرفان است. شناسایی و بررسی این اصطلاحات می‌تواند ما را به شناخت بهتر و بیشتری از وادی عرفان رهنمون سازد. از این رو این پژوهش با هدف استخراج و بررسی کارکردهای اصطلاحات عرفانی در دیوان حزین لاهیجی به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. نتایج حاصل نشان داد که او از دایره‌ی گسترده‌ای از واژه‌ها و اصطلاحات عرفانی برای بیان حالات، مقام‌ها و موارد مرتبط با عرفان بهره برده است. تأکید بیشتر حزین بر مقام‌های عرفانی چون صبر، توبه، حیرت و ورع بوده اما در این میان، بیشترین بسامد واژه‌های عرفانی را دل و عشق به خود اختصاص داده‌اند؛ زیرا در عرفان دل به معنای روح و روان عارف بوده و جایگاه عشق الهی است و اصل بنیادین عرفان محسوب می‌شود. حزین به دلیل رویکردی که به سبک هندی داشته، بسیاری از واژه‌های عرفانی را در قالب ویژگی‌های این سبک بیان کرده است. او از واژه‌هایی چون خرابات، خلوت‌خانه، می، مستی، شراب و نظایر آن به صورت نمادین برای نشان دادن حالات عرفانی بهره برده است.

واژه‌های کلیدی: تصوف، عرفان، شعر عرفانی، کارکرد، اصطلاحات عرفانی، حزین لاهیجی.